

بررسی تطبیقی نقش دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی با تأکید بر ج.ا.ا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

مصطفی شهیدی نسب*
حسین حسن زاده سروسنانی**

۵۳

چکیده

تأمین مالی خرد در طول دهه گذشته رشد فزاینده‌ای از حیث گستره مفهومی، اهداف، نهادها، ابزارها و دامنه عرضه کنندگان و متقاضیان داشته است. اکنون برنامه‌های تأمین مالی خرد به گونه‌ای طراحی می‌شوند که توان پاسخگویی به نیازهای مختلف را داشته باشند. ضرورت پرداختن به انقلاب تأمین مالی خرد و لزوم طراحی نظام تأمین مالی خرد اسلامی در کشور حقیقتی انکارناپذیر است. یکی از عناصر مهم این نظام نقش مؤثر دولت در تأمین مالی خرد اسلامی است. مقاله پیش رو درصدد است با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و تحلیل آماری به بررسی تطبیقی نقش دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی اقدام نماید. بر اساس نتایج تحقیق دولت‌ها در مواجهه با تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی می‌توانند دو نقش ایفا نمایند: نقش حمایتی و نقش تأمین‌کنندگی. مهم‌ترین سیاست‌های تأمین مالی خرد اسلامی و ابزارهای آن جهت اجرای نقش حمایتی دولت شامل ثبات اقتصاد کلان (مانند تعدیل نرخ سود)، تعدیل چارچوب قوانین (مانند قانونگذاری و معافیت مالیاتی) و موضوع نظارت می‌باشد. از طرفی، مهم‌ترین سیاست‌های تأمین مالی خرد اسلامی جهت اجرای نقش تأمین‌کنندگی دولت شامل ارائه مستقیم تأمین مالی خرد، ارائه تسهیلات به نهادهای عرضه‌کننده تأمین مالی خرد و کمک مالی مستقیم به نهادهای عرضه‌کننده تأمین مالی خرد می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نقش دولت در تأمین مالی خرد در ایران یک نقش تأمین‌کنندگی نیست؛ بلکه یک نقش حمایتی می‌باشد؛ همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ابزارهای دولت جهت ایفای نقش حمایتی در حوزه تأمین مالی خرد به ترتیب شامل ایجاد ثبات اقتصاد کلان، تعدیل چارچوب قوانین و مقررات و اعمال نظارت‌های قانونی و هدفمند می‌باشد.

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / سال بیست و سوم / شماره ۹۲ / زمستان ۱۴۰۲

*. پژوهشگر فوق دکتری مدیریت مالی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول).

Email: m.shahidinasab@isu.ac.ir

Email: h.hasanzadeh@isu.ac.ir

** استادیار دانشگاه امام صادق (ع).

واژگان کلیدی: تأمین مالی خرد اسلامی، دولت، نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی، تأمین مالی خرد، نظام تأمین مالی خرد اسلامی.
طبقه‌بندی JEL: G21, E44, G32, Z10, K12.

مقدمه

تأمین مالی خرد اسلامی نشان‌دهنده تلاقی دو صنعت در حال رشد است: تأمین مالی خرد و مالی اسلامی. تأمین مالی خرد اسلامی به دنبال بهبود رفاه جامعه از طریق تأمین مالی منطبق با شریعت، به‌ویژه برای فقرا، شرکت‌های خرد، کوچک و متوسط است (Akbar & Siti, 2022, p.2).

در ۳۲ کشور جهان بیش از ۳۰۰ مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی وجود دارد که گردش مالی آنها بیش از یک میلیارد دلار می‌باشد. بیش از ۶۶ درصد از مشتریان مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف در سرتاسر جهان مسلمان هستند. این در حالی است که سازمان ملل بیش از نیمی از ۵۶ کشور عضو بانک توسعه اسلامی را جزو کشورهای «کم توسعه‌یافته» (LDCs) (Least Developed Countries) دسته‌بندی نموده است (Zubeir Mughal, 2011, p.13).

ظرفیت بالقوه و اهداف تأمین مالی خرد، جامعه هدف آن که قشر متوسط و فقرای فعال اقتصادی می‌باشد و تأکید بر تأمین مالی خرد در اسناد بالادستی کشور، طراحی نظام تأمین مالی خرد اسلامی را در کشور ضروری می‌کند (شهیدی نسب، ۱۳۹۳، ص ۲-۳). یکی از مسائل نظام تأمین مالی خرد، نقش دولت در آن نظام است. این تحقیق تلاش می‌کند با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و تحلیل آماری به بررسی نقش دولت در حوزه تأمین مالی خرد در ایران بپردازد؛ همچنین بررسی سیاست‌های لازم جهت ایفای نقش دولت در حوزه تأمین مالی خرد، اولویت‌بندی این سیاست‌ها و نهادهای مسئول در ایران جهت تحقق این سیاست‌ها از دیگر اهداف این تحقیق است.

ساختار مقاله بدین صورت است که پس از مقدمه در بخش دوم پیشینه تحقیق، در بخش سوم چستی تأمین مالی خرد و در بخش چهارم مبانی نظری و چارچوب مفهومی تبیین شده است. در بخش پنجم ابزار سیاستگذاری دولت در تأمین مالی خرد مبتنی بر نظریه‌های رایج با ذکر شواهد تجربی تبیین شده است. در بخش ششم نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی

در ایران توضیح داده می‌شود. در نهایت در بخش هفتم با نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شود.

پیشینه تحقیق

مهم‌ترین تحقیقات صورت گرفته در بررسی نقش دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: پیشینه تحقیقات صورت گرفته در حوزه نقش دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی

سال انتشار	نتایج تحقیق	نویسندگان	عنوان پژوهش
۲۰۲۱	دولت به‌ویژه از طریق سیاست‌های تولیدی خود نقش بسیار مهمی در رفاه جامعه دارد. دولت نیز باید در برقراری عدالت در میان جامعه حضور داشته باشد.	Aravik, Hamzani and Tegal	«نقش دولت در نظام اقتصادی اسلامی: مروری بر اندیشه عباس میرآخور»
۱۳۹۹	دولت اسلامی در ابعاد نظارت و سیاست‌گذاری، یک دولت نسبتاً حداکثری و در بعد تصدی‌گری، یک دولت نسبتاً حداقلی است.	تقوی و جابری	«بررسی قلمرو دخالت حکومت اسلامی در اقتصاد»
۱۳۹۵	از منظر اقتصاددانان مسلمان، دولت اسلامی به دنبال تأمین عدالت و رشد اقتصادی عامه بوده و در تأمین این اهداف در کنار مردم نقش فعالی ایفا می‌نماید.	فراهانی فرد و بیگدلی	«مقایسه تطبیقی اهداف دولت در اقتصاد متعارف و اسلامی»
۲۰۱۱	فقدان مکانیسم‌های حمایت قانونی و نظارتی برای عرضه‌کنندگان تأمین مالی خرد، به همراه مداخله قابل توجه دولت، اتکا به شبکه‌های تأمین مالی غیررسمی در روستاهای چین را تقویت کرده است.	Newman, Borgia and Wu Wei	«بررسی تأثیر مداخلات دولتی در تأمین مالی خرد روستایی در چین»
۱۳۹۰	مبنای دخالت دولت اسلامی در اقتصاد مصلحت است و مراد از مصلحت نیز تأمین هدف شارع به منظور رسیدن مردم به منافع دنیوی و اخروی است؛ از این رو، توسعه معنویت، ایجاد و بسط امنیت، رشد اقتصادی و پیشرفت و عدالت اجتماعی مصلحتی است که دولت اسلامی جهت تحقق آنها در امور اقتصادی دخالت می‌نماید.	خداپرست مشهدی، نظری و فتوحی	«دخالت دولت در اقتصاد از منظر اندیشمندان مسلمان»

۱۳۸۹	هدف اصلی کتاب، شناسایی و معرفی اقدامات و سیاست‌های لازم دولت اسلامی، جهت کاهش سطوح نابرابری‌های درآمدی و برقراری توزیع عادلانه درآمد در جامعه است.	قلیچ	«دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد»
۲۰۰۸	نظریه تنظیم و نظارت بر تأمین مالی خرد اسلامی در اولویت قرار دارد که وظیفه دولت است.	Obaidullah and khan	«تأمین مالی خرد اسلامی»
۲۰۰۷	مداخله دولت در تأمین مالی خرد می‌تواند بودجه و خدمات را برای میلیون‌ها نفر از مردم فقیر به ارمغان بیاورد و چارچوب نهادی صنعت را بهبود بخشد.	Bate	«دولت‌ها در تأمین مالی خرد: تهدید یا فرصت»
۲۰۰۵	بررسی برخی کشورهای آمریکای لاتین نشان داد که مؤلفه‌های اقتصاد کلان (نرخ تورم، آزادسازی نرخ بهره و ...) بر تأمین مالی خرد تأثیر گذارند.	Hubka & Zaidi	«تأثیر قوانین دولتی بر تأمین مالی خرد»
۲۰۰۳	صنعت تأمین مالی خرد به علت زیرساخت‌های بهتر، در بنگلادش سریع‌تر از نپال رشد نموده است.	Fernando	«تغییر چهره تأمین مالی خرد: از «ان.جی.ا.»ها به مؤسسات مالی ساختاریافته»
۲۰۰۴	یکی از مهم‌ترین نقش‌های دولت در زمینه تأمین مالی خرد اسلامی، ارتقای ظرفیت‌های نظارتی است. تجارب جهانی نشان می‌دهد که کشورهای درحال توسعه در زمینه نظارت بر مؤسسات تأمین مالی خرد ضعیف هستند.	Duflos and Imboden	«نقش دولت‌ها در تأمین مالی خرد»
۲۰۰۰	توسعه تأمین مالی خرد در کشورهای درحال توسعه به میزان زیادی مرتبط به مداخله دولت می‌باشد و این مداخله در قالب سه مدل صورت می‌گیرد: مدل ادغام، مکمل و جایگزین.	Lapenu	«نقش دولت در ارتقای نهادهای تأمین مالی خرد»
۱۹۹۹	با بررسی وضعیت قانونگذاری در مؤسسات تأمین مالی خرد اعم از: «ان.جی.ا.»ها، تعاونی‌های اعتبار و ... نتیجه‌گیری می‌کند که لازم است قوانین مورد نیاز تأمین مالی خرد توسعه پیدا کند و نیز نظارت کارا و مؤثر بر این مؤسسات نیز انجام شود.	Van Greuning, Gallardo & Randhawa	«چارچوبی برای قانونگذاری مؤسسات تأمین مالی خرد»

نوآوری بارز این تحقیق از آن جهت است که در ایران در زمینه نقش دولت در تأمین مالی خرد تحقیقی صورت نگرفته است.

چیستی تأمین مالی خرد

۱. اعتبارات خرد (Micro-credit)

اعتبارات خرد شامل حرکتی گسترده برای ارائه خدمات بانکی حرفه‌ای به خانوارهای فقیر می‌شود. اکثر تأمین‌کنندگان اعتبارات خرد بدون نیاز به وثیقه وام می‌دهند. با این کار، آنها می‌توانند به خانوارهای فقیر دسترسی داشته باشند تا بتوانند فقرا را با وام‌های خرد، برای توسعه مشاغل خانگی و برآوردن نیازهای مصرفی‌شان تأمین مالی کنند. نرخ بالای بازپرداخت اعتبارات خرد به قراردادهای جدید وام نسبت داده می‌شود که مهم‌ترین آنها قرارداد «وام گروهی» است (Palgrave, 2018, pp.8736, 8737, 8738).

۲. تأمین مالی خرد (Micro-finance)

درباره تأمین مالی خرد تعاریف متعددی ارائه شده است. تمرکز این تعاریف مبتنی بر زوایای ذیل بوده است:

۱) جامعه هدف تأمین مالی خرد؛

۲) اهداف تأمین مالی خرد؛

۳) نحوه تجهیز منابع، تخصیص اعتبار و ضمانت وام‌ها.

به نظر می‌رسد تعریف مناسب برای تأمین مالی خرد عبارت است از: ارائه اعتبار - در یک فرایند ساده و منعطف - به فقرا و قشر متوسط فعال اقتصادی، کارآفرینان خرد و کسب‌وکارهای خرد و کوچک - صرفاً کسب‌وکارهایی که بین (۱-۹) کارکن دارند - با هدف توانمندسازی از طریق تأمین مالی فعالیت‌های درآمدزا و خوداشتغالی به همراه تلاش برای تجهیز منابع خرد (جمع‌آوری پس‌اندازهای خرد جامعه هدف) و ارائه بیمه‌های خرد به ایشان و در برخی موارد کمک به توزیع و بازاریابی محصول مشتریان.

۳. تأمین مالی خرد اسلامی

از نظر نویسنده تعریف تأمین مالی خرد اسلامی عبارت است از: «ارائه اعتبار به فقرای فعال اقتصادی و قشر متوسط فعال اقتصادی، کارآفرینان خرد و کسب‌وکارهای خرد و کوچک - صرفاً کسب‌وکارهایی که بین (۱-۹) کارکن دارند - به منظور تأمین مالی فعالیت‌های درآمدزا،

خوداشتغالی و از بین بردن فقر و در جهت رشد و توسعه اقتصادی. تفاوت ماهوی آن با تأمین مالی خرد در این است که اهداف، اصول، مبانی، ابزارها و نهادهای تأمین مالی خرد اسلامی، همه در چارچوب تعالیم اقتصادی اسلام طراحی شده‌اند.

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

۱. نقش دولت در اقتصاد

درباره نقش دولت در اقتصاد سه دوره را می‌توان معرفی کرد:

- ۱) دخالت محدود دولت در اقتصاد: دوره‌ای که با تحولات صنعتی در انگلستان آغاز شد و همراه با اندیشه‌های اقتصاددانان کلاسیک بود.
- ۲) دخالت گسترده دولت در اقتصاد: بحران بزرگ اقتصادی اروپا و آمریکا (۱۹۱۷م) سبب شد که دولت در حوزه اقتصادی نقش بیشتری ایفا کند.
- ۳) دخالت محدود دولت در اقتصاد و حرکت به سمت خصوصی‌سازی: در ربع پایانی قرن بیستم دوباره بازگشتی به سوی اندیشه‌های دوره اول به وجود آمد و رویکرد موسوم به نئولیبرالیسم (نئوکلاسیک‌ها و نئوکینزین‌ها) توانست اندیشه‌های دولت‌گرای سوسیالیستی و کینزی و ... را از صحنه خارج کند (یزدانی، ۱۳۸۰، ص ۵۰-۵۱).

بررسی ادبیات تأمین مالی خرد نیز حاکی از آن است که درباره مسئولیت دولت در اقتصاد سه مکتب وجود دارد که عبارت‌اند از: مکتب لسه فر (laissez-faire school)، مکتب مداخله (Interventionist school)، مکتب مداخله میانه (Moderate interventionist school). می‌توان از نگاه این سه مکتب به بررسی نقش دولت در تأمین مالی خرد پرداخت (Dhakal, 2010, p.11). در جدول زیر به تشریح این سه مکتب پرداخته می‌شود.

جدول ۲: مکاتب مربوط به مسئولیت دولت در اقتصاد

مکتب	دیدگاه	نقش دولت در تأمین مالی خرد
لیسه فر	دولت بایستی ثبات اقتصاد کلان و اعتماد بخش خصوصی و غیردولتی را حفظ نماید؛ همچنین دولت در زمینه ارتقای سطح دسترسی به خدمات مالی و توسعه تأمین مالی خرد پایدار مسئولیت دارد. هر چه دولت در بخش تأمین مالی خرد بیشتر مشارکت نماید، توسعه پایدار کمتری رخ می‌دهد.	کمکی که دولت به توسعه تأمین مالی خرد می‌تواند بنماید این است که در خارج از این راه بماند و بانک‌های تأمین مالی خرد، توسعه‌ای و تجاری دولتی را تعطیل نماید و در این زمینه دستوراتی را ارائه ننماید (Dhakal, 2010, p.2).
مداخله	دخالت دولت به منظور افزایش دسترسی و توسعه تأمین مالی خرد یک ضرورت است. به علت شکست بازار مالی، اکثر فقرا خارج از مرز تأمین مالی رسمی قرار دارند. دولت نقش مهمی در توسعه این مرز دارد. بدین منظور دولت می‌تواند از طریق سازمان‌های دولتی اقدام به ارائه خدمات متنوعی نماید. تمرکز به سازمان‌های دولتی بدین خاطر است که بانک‌های تجاری سنتی به دلایل مختلف از جمله هزینه مبادله بالا و ریسک اعتباری علاقه‌مند به بخش تأمین مالی خرد نیستند.	به دلیل مشکلاتی که سد راه موفقیت مثلث تأمین مالی خرد (توسعه، پایداری و تأثیر) می‌باشد، سرمایه‌گذاری خطرپذیر بخش خصوصی بعید است که به این مناطق راه پیدا کند. گرچه کارشناسان در این زمینه احتمال شکست دولت را می‌پذیرند، اما درعین حال بر این باورند که دولت می‌تواند در توسعه مرزهای خدمات مالی مشارکت مثبت بالقوه‌ای داشته باشد (Dhakal, 2010, p.2).
مداخله میانه	این مکتب ترکیبی از دو مکتب «لیسه فر» و «مداخله» است. به عقیده این مکتب - در زمینه مسئولیت دولت در تأمین مالی خرد - دولت نباید تنها به حفظ ثبات اقتصاد کلان بپردازد؛ بلکه بایستی محیطی سیاستی و زیرساخت‌های مالی ضروری را نیز فراهم نماید.	این مکتب موافق دخالت مستقیم دولت در زمینه تأمین مالی خرد از طریق ارائه خدمات مالی نیست.

خلاصه آنکه هر سه مکتب تأکید می‌کنند که دولت نقشی قطعی در توسعه تأمین مالی خرد دارد. هرچند نوع دقیق و دامنه این نقش‌ها، بسته به پیچیدگی‌های توسعه مالی و سطح بلوغ صنعت تأمین مالی خرد، متفاوت است. علاوه بر این، چنین برمی‌آید که نقش دولت

بسته به پیچیدگی و واقعیت‌های بازار تأمین مالی خرد و دیگر شرایط مشخص کشورها متفاوت است (Dhakal, 2010, p.2).

۲. مدل‌های مداخله دولت در تأمین مالی خرد

توسعه تأمین مالی خرد در کشورهای در حال توسعه کم‌وبیش مرتبط به مداخله دولت می‌باشد. این مداخله در قالب سه مدل صورت می‌گیرد: مدل ادغام، مدل مکمل و مدل جایگزین (Lapenu, 2000, p.13).

جدول ۳: مدل‌های مداخله دولت در تأمین مالی خرد

مدل	تبیین مدل	کشور	تجربه
ادغام	دولت حضور قوی خود را حفظ کرده است و نوآوری‌های مالی در بخش دولتی ادغام شده است.	هند	از اوایل دهه ۱۹۵۰ در هند، برنامه‌هایی برای گسترش دسترسی مطمئن فقرای روستایی به خدمات بانکی موضوع مورد بحث توسعه تأمین مالی خرد بوده است. توجه اصلی برای ملی کردن بانک‌ها در سال ۱۹۶۹ ایشان را مجبور کرد که وام‌های خود را به مناطق روستایی - به صورت عام - و به فقرای روستایی - به صورت خاص - توسعه دهند (Kabeer & Murthy, 1996). در حال حاضر بیش از ۱۲۶ هزار مؤسسه مالی دولتی در سرتاسر هند گسترش یافته‌اند که بیش از ۲۵ برنامه کاهش فقر را اجرا می‌کنند. برای جبران شکست برنامه‌های قبلی، برنامه‌های جدید به عنوان پروژه‌های آزمایشی به منظور مرتبط کردن بانک‌ها با گروه‌های خودیار عمل می‌کنند. این فعالیت ابتدا از طریق بانک ملی برای توسعه و بازسازی و بانک اعتباری کشاورزی آغاز شد (Srinivasan & Rao, 1996).
		ویتنام	در حالی که ویتنام به سمت اقتصاد بازار حرکت می‌کند، مداخله دولت همچنان در سیستم مالی روستایی ادامه دارد (Creusot, 1997, pp.53-58). بانک کشاورزی ویتنام در سال ۱۹۹۰ توسط دولت تشکیل شد. بانک کشاورزی، بانکی تجاری محسوب می‌شود که از ضوابط کلاسیک بانک‌های تجاری (ضمانت‌های فیزیکی و تحلیل ریسک) برای ارائه اعتبارات استفاده می‌کند. این بانک در سال ۱۹۹۶ در کشور عمیقاً توسعه یافت و تعداد شعبه‌های آن به ۱۸۰۰ شعبه رسید. به منظور دسترسی به فقرا، دولت در سال ۱۹۹۵ شعبه غیرانتفاعی بانک را

<p>تأسیس کرد. علی‌رغم وجود بیش از ۶۰ برنامه تأمین مالی خردی که در تایلند توسط «سازمان‌های مردم‌نهاد» اجرا می‌شود، هنوز هم برنامه‌های مالی روستایی رسمی عمدتاً توسط دولت انجام می‌شود. برنامه‌های جدید تأمین مالی خرد در تایلند با مشکلات حقوقی و قانونی مواجه هستند (Lapenu, 2000, p.14).</p>			
<p>واحدهای روستایی بانک رکیات اندونزی در بازه زمانی ۱۹۸۳-۱۹۸۴ تجدید ساختار شدند. بانک رکیات، بانکی دولتی است ولی اصول تحول واحدهای روستایی این بانک شامل خصوصی سازی عملیات داخلی (تصمیم‌گیری غیرمتمرکز، گردش سود، اعطای سهام به کارمندان در راستای عملکرد و انگیزش ایشان)، ارتقای تخصص کارمندان و افزایش انعطاف‌پذیری بود. دولت همه هزینه‌های تحول را از طریق پوشش خسارات وارده تحت برنامه انقلاب سبز، سرمایه‌گذاری در واحدهای روستایی و راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی برای کارمندان بر عهده گرفت. پس‌انداز بانک‌های دولتی توسط دولت تضمین شد و این خود موجب افزایش انگیزه برای پس‌انداز شد. تحول در واحدهای روستایی در قالب طرح مقررات‌زدایی از نظام مالی در اندونزی صورت گرفت (Mukherjee, 1997).</p> <p>از سال ۱۹۸۳ به تدریج چارچوبی قانونی برای تأمین مالی خرد در اندونزی تعریف شده است. این قانون ساختاری منعطف و شفاف برای «بی. پی. آر»ها ارائه می‌کند. در ژوئن ۱۹۹۳ تقریباً ۹۰۰ «بی. پی. آر» در اندونزی فعالیت می‌کردند که ۹۵ درصدشان خصوصی بودند. این حجم زیاد از مؤسسات مالی خصوصی موجب اتخاذ و توسعه نوآوری‌ها (ارتباطات، انگیزه‌ها، اصول اسلامی تسهیم سود و زیان) به منظور دسترسی به مناطق روستایی شد (Lapenu, 1996). قبل از بحران مالی کنونی در اندونزی، سیستم مالی روستایی با سیستم بانکداری عمومی قوی خود که از برنامه‌های مختلف تأمین مالی خرد، تعاونی‌ها و شبکه رقابتی متنوع از بانک‌های خصوصی کوچک متعدد-BPR- حمایت می‌کرد، مشخص می‌شد.</p>	<p>اندونزی</p>	<p>در برخی کشورها، دولت و بخش خصوصی مکمل یکدیگرند و همدیگر را حذف نمی‌کنند. بلکه هر کدام از این دو بخش ممکن است که نوآوری‌های مالی را اتخاذ نمایند.</p>	<p>مکمل</p>
<p>در ماداگاسکار، بانک دولتی کشاورزی BTM هرگز نتوانسته است به خانوارهای روستایی دسترسی داشته باشد و خدمات</p>	<p>ماداگاسکار</p>	<p>مؤسسات تأمین مالی خرد به</p>	<p>جایگزین</p>

<p>مالی خرد ارائه دهد. با توجه به این کمیودها، پنج شبکه اصلی عمدتاً مبتنی بر اصول متقابل با حمایت انجمن‌های خارجی و کمک کنندگان بین‌المللی ایجاد شده است. باین حال، دسترسی آنها هنوز بسیار کم است و تنها به حدود ۲۵۰۰۰ خانوار می‌رسد. در سطح ملی، ساختار سیستم مالی روستایی به صورت بخش‌بندی شده باقی مانده است. در برخی مناطق، عملاً هیچ خدمات مالی رسمی برای خانوارهای روستایی قابل دسترسی نیست. اگر BTM خصوصی شود، بخش بزرگی از ۷۳ شعبه روستایی ممکن است بسته شود که سیستم مالی روستایی را بیشتر تضعیف خواهد کرد.</p>		<p>عنوان جایگزینی برای نقش ناکارای دولت و بازار توسعه یافته‌اند (Lapenu , 2000, p.17).</p>	
<p>در غرب آفریقا، شکست اکثر بانک‌های توسعه کشاورزی یا به برچیده شدن مؤسسات بخش دولتی (بنین، ساحل عاج، نیجر و توگو) یا بازگشت به سمت وام‌دهی تخصصی برای محصولات نقدی انجامید که می‌توان نتیجه آن را در محصول پنبه (بورکینافاسو و مالی) مشاهده نمود.</p>	<p>غرب آفریقا</p>		

۳. تجارب مربوط به سیاست‌های مداخله‌ای دولت در حوزه تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی

یکی از اهداف اصلی کشورهای درحال توسعه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ افزایش تولیدات کشاورزی از طریق تسهیل پذیرش فناوری‌های بهبودیافته توسط کشاورزان بود. اکثر کشورهای درحال توسعه بانک‌های توسعه کشاورزی ایجاد کردند یا برنامه‌های اعتباری را در قالب طرح‌های توسعه کشاورزی اجرا کردند.

تجارب مربوط به سیاست‌های مداخله‌ای دولت در حوزه تأمین مالی خرد به شرح جدول

ذیل می‌باشد:

جدول ۴: تجارب مربوط به سیاست‌های مداخله‌ای دولت در حوزه تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی

عنوان	کشور	مداخله دولت در حوزه تأمین مالی خرد
تأمین مالی خرد متعارف	هندوستان	دولت هند پس از استقلال در سال ۱۹۴۸ پیشگام اجرای توسعه بانکداری روستایی تحت حمایت دولت بود. بانک‌های توسعه زمین برای تأمین مالی بلندمدت و بانک‌های تعاونی برای تأمین مالی کوتاه‌مدت ایجاد شدند و ۲۰ بانک تجاری بزرگ در سال‌های ۱۹۶۹ و ۱۹۸۰ ملی شدند. ۲۵ طرح فقرزدایی از جمله برنامه توسعه یکپارچه روستایی - که در سال ۱۹۷۹ آغاز شد - اجرا شد. در سال ۱۹۹۶ این برنامه به حدود ۲۰ میلیون خانواده روستایی خدمات ارائه می‌داد (Hulme and Mosley, 2006).
تأمین مالی خرد اسلامی	اندونزی	دولت اندونزی توانست دو شبکه برای اجرای برنامه انقلاب سبز خود بسازد: ۳۶۰۰ «واحد روستایی» بانک راکیات اندونزی (BRI) مسئول انتقال وام‌های یارانه‌ای بودند و بیش از ۶۰۰۰ واحد از تعاونی‌های روستایی (دسا) پشتیبانی فنی برای بهبود فناوری تولید برنج دریافت نمودند (Lapenu, 2000, p.10).

منبع: یافته‌های تحقیق.

اما مداخله‌های فوق منجر به نتایج مثبت و منفی شد. اکثر این مؤسسات به سرعت با مشکلاتی مواجه شدند. پایین بودن نرخ بازپرداخت یکی از بارزترین ناکامی‌های بانک‌های توسعه‌ای دولتی بود. این مؤسسات پایدار نبودند و بیش از پیش به یارانه‌ها متکی بودند. نگاهی دقیق‌تر به تأثیر بانک‌های توسعه نیز نشان داد که آنها عموماً به کشاورزان کوچک دسترسی ندارند (Adams and Vogel, 1986).

تجارب مربوط به نتایج سیاست‌های مداخله‌ای دولت در حوزه تأمین مالی خرد (بانک‌های کشاورزی عمومی) به شرح جداول ۵ و ۶ می‌باشد.
جدول ۵: نتایج سیاست‌های مداخله‌ای دولت در حوزه تأمین مالی خرد (بانک‌های کشاورزی عمومی): نتایج منفی

عنوان	کشور	دلیل شکست	نمونه
تأمین مالی خرد متعارف	هند	دخالت‌های سیاسی و عدم مسئولیت کارکنان بانک‌ها - انتخاب جانبدارانه وام‌گیرندگان و بخشودگی‌های خودسرانه وام - منجر به کاهش نرخ بازپرداخت شد (Hulme and Mosley, 2006).	در هند، ارزیابی برخی از وام‌ها توسط کارکنان غیربانکی، یعنی مقامات دولتی محلی که وظیفه تخصیص وام‌های برنامه توسعه یکپارچه روستایی (IRDP) را بر عهده داشتند، انجام شد. در نتیجه، بانک‌ها IRDP را به عنوان برنامه خود تلقی نمی‌کردند و فقط به صورت مکانیکی درگیر آن بودند (Hulme and Mosley, 2006).

هند به دلیل بازار داخلی بزرگ و پایه صادرات متنوع تا سال ۱۹۹۱ که تورم افزایش یافت و ذخایر ارز خارجی کاهش یافت، تحت تأثیر بحران اقتصاد کلان و بدهی قرار نگرفت؛ اما هند مجبور شد از دهه ۹۰ به بعد برنامه تعدیل ساختاری را بپذیرد که منجر به تجدید ساختار سیستم مالی شد (Lapenu, 2000, p.12).	محدودیت مالی دولت		
در سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۴ در اندونزی با کاهش درآمد نفتی (Lapenu, 2000, p.12).	محدودیت مالی دولت	اندونزی	تأمین مالی خرد اسلامی

منبع: یافته‌های تحقیق.

علی‌رغم بحران و تعدیل‌هایی که برای اکثر سیستم‌های مالی کشورهای در حال توسعه ضروری شد، بانک‌های توسعه‌ای تأثیر مثبتی داشته‌اند که نباید نادیده گرفته شود.

جدول ۶: نتایج سیاست‌های مداخله‌ای دولت در حوزه تأمین مالی خرد (بانک‌های کشاورزی عمومی): نتایج مثبت

عنوان	کشور	دلیل موفقیت	نمونه
تأمین مالی خرد متعارف	هند	شبکه‌های شعب مالی در مناطق روستایی ایجاد شده است.	شعبه‌ها ۱۲۶۰۰۰ مؤسسه مالی روستایی هند را پوشش می‌دهند (Lapenu, 2000, p.12).
		سیاست‌های مداخله‌ای دولت با هدف بهبود تولیدات کشاورزی، منجر به پذیرش فناوری‌های جدید مانند استفاده از بذر و کودهای بهبود یافته برای برنج شده است.	تولید محصولات کشاورزی افزایش یافته است. (Lapenu, 2000, p.13)
تأمین مالی خرد اسلامی	اندونزی	شبکه‌های شعب مالی در مناطق روستایی ایجاد شده است.	در اندونزی، بیش از ۹۰۰۰ واحد روستایی BRI و تعاونی‌های روستایی (KUD) در سراسر مناطق روستایی پراکنده شده‌اند (Lapenu, 2000, p.12).
			اندونزی پس از اینکه در سال ۱۹۷۰ بزرگ‌ترین واردکننده برنج در جهان بود، در سال ۱۹۸۴ به خود کفایی رسید (Lapenu, 2000, p.13).

منبع: یافته‌های تحقیق.

۴. نقش دولت در اقتصاد اسلامی

برای اجرای احکام اسلام در اقتصاد به حضور دولتی مقتدر نیاز است تا افزون بر کنترل و نظارت بر حسن جریان امور، خود زمینه‌ساز اجرای آن احکام باشد. تاریخ نیز نشان می‌دهد که مداخله دولت در اقتصاد، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی مطرح بوده و در عصر خلفا نیز ادامه داشته است. از مطالعه آیات و روایات و دیگر منابع دینی می‌توان توسعه رفاه، توسعه معنویات، برپایی عدالت و رسیدن به قدرت اقتصادی را اهداف اقتصادی دولت اسلامی دانست (موسویان، ۱۳۸۲).

بررسی نتایج تحقیق *فراهانی و بیگدلی (۱۳۹۵)* حاکی از این است که در آثار مورد بررسی ایشان درباره وظیفه دولت اسلامی در اقتصاد، عدالت اقتصادی بیشترین فراوانی را دارد؛ پس از آن رشد اقتصادی و امنیت اقتصادی مورد توجه بوده است.

جدول ۷: اهداف دولت اسلامی در اقتصاد از نگاه اندیشمندان مسلمان

نویسنده/اهداف	تقرب، نفوس، تربیت و کمال	امنیت اقتصادی	عدالت اقتصادی	استقلال اقتصادی	اقتدار اقتصادی	رشد اقتصادی	تکافل اجتماعی	رفاه اجتماعی	سایر موارد
گیلک حکیم آبادی	*	*	*	*	*	*		*	*
فراهانی فرد	*	*	*	*	*	*			
سمیعی نسب	*	*	*	*	*	*			*
جهانپان			*	*	*	*	*		*
رضایی	*	*	*	*	*	*			*
حوزه و دانشگاه			*	*	*	*		*	*
میرمعزی		*	*	*	*	*			
هادوی تهرانی			*	*	*	*			

منبع: (فراهانی و بیگدلی، ۱۳۹۵، ص ۱۴).

میرآخور در زمینه نظام اقتصادی اسلام معتقد است که اصل اصلی نظام اقتصادی اسلام مستلزم توزیع در دو سازوکار آزادی و عدالت است که بدون آنها رونق حاصل نمی‌شود. به گفته میرآخور، در چارچوب دولت، دولت نقش بسزایی در رفاه جامعه به‌ویژه از طریق سیاست‌های تولیدی دارد. دولت همچنین باید در تحقق عدالت در جامعه حضور داشته باشد (Hadi, 2023, p.1).

۵. مداخله دولت در تأمین مالی خرد اسلامی

بررسی نظریات اسلامی درباره مداخله دولت در اقتصاد به دو نظریه کلی رهنمون می‌شود: مداخله حداکثری دولت در اقتصاد، مداخله حداقلی دولت در اقتصاد.

الف) مداخله حداکثری

دخالت دولت اسلامی در حوزه مدیریت و تصدی‌گری حداقلی و در حوزه هدایت، نظارت و سیاست‌گذاری نسبتاً حداکثری است. وظایفی که بر دوش دولت اسلامی قرار داده شده است، حاکی از آن است که دولت باید دخالت زیادی در این حوزه از اقتصاد داشته باشد که یکی از مهم‌ترین این دخالت‌ها برقراری عدالت در جامعه است. با توجه به اهداف و وظایف دولت در نظام اقتصادی اسلام، مشاهده می‌شود که عدالت بر رشد تقدم دارد و این خود افزایش دخالت دولت در اقتصاد را می‌طلبد. بررسی منابع مالی که در اختیار دولت اسلامی است نیز نشان می‌دهد که از نظر اقتصاد اسلامی، دولت باید در حوزه نظارت، هدایت و سیاست‌گذاری دخالت نسبتاً حداکثری داشته باشد؛ زیرا یکی از معیارهای سنجش میزان دخالت دولت در اقتصاد، نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی است که با این معیار، دولت اسلامی یک دولت کوچک و حداقلی نخواهد بود. بررسی اقتصاد صدر اسلام نیز نشان‌دهنده دخالت نسبتاً بالای دولت اسلامی در حوزه نظارت و سیاست‌گذاری اقتصاد است (تقوی و جابری، ۱۳۹۹، ص ۳-۴).

ب) مداخله حداقلی

دولت در نظام اسلامی، نقش نظارت و فراهم آوردن زمینه فعالیت بخش خصوصی را بر عهده دارد و خودش به شکل مستقیم وارد سرمایه‌گذاری در بخش خاصی نمی‌شود، مگر آنکه مصالح اجتماعی اقتضای چنین رفتاری را داشته باشد؛ مانند موارد ذیل:

۱. مواردی که به دلیل نبود سود مادی مناسب، بخش خصوصی انگیزه‌ای برای وارد شدن در آن فعالیت‌ها را ندارد.
۲. مواردی که بخش خصوصی، توان اقتصادی لازم برای وارد شدن به آن فعالیت‌ها را ندارد.
۳. مواردی که وارد شدن بخش خصوصی، مفاسدی چون تشکیل انحصارات، احتکار، گران‌فروشی و ... را در پی دارد.
۴. مواردی که به دلیل داشتن آثار جانبی منفی اگر بخش خصوصی وارد شود، درصد رفع آثار منفی بر نمی‌آید.
۵. مواردی که برای کنترل بازار لازم است دولت به صورت موقت دخالت کند (موسویان، ۱۳۸۲).

سیاست‌گذاری دولت در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی

الف) ابزار سیاست‌گذاری

دولت‌ها در مواجهه با تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی می‌توانند دو نقش ایفا نمایند: نقش حمایتی، نقش تأمین‌کنندگی. در ادامه این دو نقش توضیح داده می‌شوند (Dhakal, 2010, p.6).

۱. نقش حمایتی (Protector Role)

ابزار مهم دولت برای بروز این نقش محیط حقوقی و قانونی است. با توسعه بخش تأمین مالی خرد قوانین ضرورت پیدا می‌کنند؛ چون از طریق قوانین بتوان از پس‌اندازکنندگان محافظت نمود و نیز به مؤسسات تأمین مالی خرد این اجازه را می‌دهد تا بتوانند از منابع بیرونی استفاده نمایند و نیز می‌توان این مؤسسات را به صورت قانونی به رسمیت شناخت تا از ایشان در مقابل مؤسسات غیررسمی و سایر رقبا محافظت شود. مقررات و قوانین نباید

مانعی بر سر راه توسعه تأمین مالی خرد باشد. مباحث شفافیت و اهداف پایداری مالی در مؤسسات تأمین مالی خرد بایستی مانند بانک‌های تجاری باشد؛ اما برخی جنبه‌های دیگر مانند الزامات نقدینگی با توجه به فصلی بودن تقاضا، وابستگی به منابع اهداکنندگان و یا بدهی‌های کوتاه‌مدت، بایستی سخت‌گیرانه‌تر باشد. علاوه بر این، برخی قوانین مانند به رسمیت شناختن مفهوم «وام‌دهی گروهی» به عنوان نوعی ضمانت و نیز تصویب وام‌های بدون وثیقه بایستی منعطف‌تر باشند. مقامات نظارتی رسالت مهمی در زمینه حمایت از مؤسسات مالی بزرگی که پس‌اندازهای فقرا را جمع‌آوری می‌نمایند، ایفا می‌کنند. ایشان بایستی با توسعه قوانین احتیاطی و یا سازگار نمودن قوانین موجود، این مؤسسات را در مقابل ریسک ورشکستگی محافظت نمایند تا بدین‌وسیله برای مشتریان و صاحبان سپرده (که فقرا را نیز شامل می‌شوند) اطمینان خاطر ایجاد شود (Dhakal, 2010, p.7).

تجربه جهانی نشان می‌دهد نقش حمایتی دولت در زمینه تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی از طرقی اعمال می‌شود که در ادامه به برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۱-۱. ثبات اقتصاد کلان

۱-۱-۱. ثبات اقتصاد کلان در تأمین مالی خرد متعارف

تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد کلان بر تأمین مالی خرد مشابه تأثیر آن بر سایر بخش‌های مالی است. بی‌ثباتی اقتصاد کلان به صورت معکوس بر رشد اقتصادی تأثیر زیادی می‌گذارد و در نتیجه فرصت‌های اقتصادی مولد و بالقوه را برای تأمین مالی خرد پایدار محدود می‌کند. تورم بالا به صورت خاص منجر به نابودی منابع مؤسسات مالی می‌شود. در نتیجه این مؤسسات برای بسیج منابع به منظور توسعه خدمات با مشکل مواجه می‌شوند. عموماً ناپایداری اقتصاد کلان منجر به افزایش نوسانات نرخ بهره، نرخ مبادله ارز و قیمت‌های مرتبط می‌شود و مؤسسات مالی و مشتریان موجود و بالقوه‌شان را در معرض ریسک‌ها و هزینه‌های اضافی قرار می‌دهند. به همین جهت است که می‌بینیم علی‌رغم وجود بیشترین کسب‌وکارهای خرد در آمریکای لاتین، به دلیل نرخ تورم بالا، تأمین مالی خرد در برزیل شکست خورد (Hubka, 2005, p.19).

۱-۱-۲. ثبات اقتصاد کلان در تأمین مالی خرد اسلامی

مهم‌ترین نقشی که دولت‌ها در زمینه حمایت از تأمین مالی خرد اسلامی می‌توانند انجام دهند، پایدار نگهداشتن اقتصاد کلان از طریق سیاست‌های پولی و مالی مناسب می‌باشد. در این میان یکی از مهم‌ترین وظایف دولت تضمین پایین نگهداشتن و کنترل تورم می‌باشد. علاوه بر این لازم است دولت تغییرات در بازارهای اوراق بهادار، سهام، نرخ ارز و سایر قیمت‌های موجود در نظام اقتصادی را نیز کنترل نماید (Obaidullah & Khan, 2008, p.48). برای این منظور دولت می‌تواند از روش‌های متنوعی استفاده کند که یک مورد آن تعدیل نرخ بهره در تأمین مالی خرد متعارف و نرخ سود در تأمین مالی خرد اسلامی می‌باشد که در ادامه تبیین می‌شود.

۱-۱-۳. تجارب عملیاتی تعدیل نرخ بهره یا سود

بررسی تجارب تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی در سطح جهانی نشان می‌دهد که یکی از سیاست‌های دولت در حمایت از تأمین مالی خرد متعارف یا اسلامی تعدیل نرخ بهره یا سود می‌باشد. در جدول زیر به برخی تجارب جهانی در این زمینه اشاره می‌شود.

جدول ۸: تجارب جهانی تعدیل نرخ بهره در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی

عنوان	کشور	تجربه
تعدیل نرخ بهره در تأمین مالی خرد متعارف	هند	در نتیجه آزادسازی نرخ‌های بهره، بسیاری از بانک‌ها با حمایت بانک ملی توسعه کشاورزی و روستایی پیوندهایی را با گروه‌های غیررسمی خودیاری فقیران به منظور تجهیز سپرده‌های فقرا و اعطای اعتبارات به آنها با نرخ‌های مناسب ایجاد کردند (حسن زاده و همکاران، ۱۳۸۵).
تعدیل نرخ سود در تأمین مالی خرد اسلامی	اندونزی	بانک‌های دولتی اجازه یافتند که نرخ‌های سود سپرده‌ها و وام‌های خود را تعیین کنند.

۲-۱. تعدیل چارچوب قوانین

۱-۲-۱. تعدیل چارچوب قوانین در تأمین مالی خرد متعارف

قانونگذاری صنعت تأمین مالی خرد تا به امروز از ساختار ناهمواری پیروی کرده است. در این الگو برخی مؤسسات تأمین مالی خرد با تکیه بر منابع دیگران - خیرین و «ان.جی.ا.»ها - به صورت قانونی ثبت شده‌اند؛ اما عموماً سازماندهی نشده‌اند و تحت نظارت نیز نیستند. برخی دیگر از مؤسسات - تعاونی‌های اعتبار - نیز که منابع اعضا را سرمایه‌گذاری می‌کنند تحت نظارت تعاونی‌های غیرمالی هستند و برخی مؤسسات - بانک‌ها - هم که منابع عمومی مردم را تجهیز می‌کنند در معرض نظارت و مقررات احتیاطی هستند (Van Greuning, Gallardo & Randhawa, 1999). ماهیت در حال تغییر تأمین مالی خرد در دهه گذشته ضرورت تجدیدنظر در سازماندهی و قانونگذاری در این حوزه را تشدید نموده است. بدین منظور باید دو حوزه ذیل را مورد توجه قرار داد:

۱. توسعه قوانینی که موجب گسترش تأمین مالی خرد می‌شود.

۲. نظارت کارا و مؤثر بر مؤسسات تأمین مالی خرد.

چنین استنباط می‌شود که مؤسسات مالی خرد باید تحت مقررات خاصی اداره شوند و نه مستقیماً تحت قوانین بانکداری کلاسیک. قانون بانکداری اندونزی (McLeod, 1992) را می‌توان در این زمینه مورد تأکید قرار داد. قانون فقط دو نوع مؤسسه را تعریف کرده است، بانک‌های تجاری و BPR («بانک‌های اعتباری مردم» یا بانک‌های روستایی).

۲-۲-۱. تعدیل چارچوب قوانین در تأمین مالی خرد اسلامی

مسئله قانونگذاری بر نهادهای تأمین مالی خرد اسلامی به دلیل ماهیتی که دارند، در برخی موارد با نهادهای متعارف متفاوت است. لازم است که به مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی مجوز فعالیت داده شود و آنها نیز تحت نظارت بانک مرکزی قرار گیرند. این امر در بیشتر کشورها به چند تعدیل در مقررات بانکی موجود نیاز دارد. نتایج مطالعات در مورد مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی نشان می‌دهد که حدود ۲۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی، قوانین و مقرراتی را برای اداره تأمین مالی خرد اسلامی و ۱۳ کشور عضو، قوانین و مقرراتی را برای تأمین مالی اسلامی وضع کرده‌اند. گرچه تأمین مالی اسلامی به هر دو مجموعه قانون

احتیاج دارد، ولی فقط کشور پاکستان این نیازمندی را تأمین کرده است. بانک ایالتی پاکستان اخیراً کتابچه راهنمایی مختص موضوع تأمین مالی خرد اسلامی منتشر کرده است (Obaidullah & Khan, 2008, p.49).

۱-۲-۳. تجارب عملیاتی تعدیل چارچوب قوانین

در جدول ۹ و ۱۰ به بررسی تجارب جهانی برخی دولت‌ها جهت تعدیل چارچوب قوانین پرداخته می‌شود.

جدول ۹: بررسی تجارب جهانی قانونگذاری در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی

عنوان	کشور	تجربه
قوانین در تأمین مالی خرد متعارف	تایلند	بانک تایلند و بانک مرکزی تایلند، بانک‌های تجاری را ملزم به سرمایه‌گذاری حداقل ۲۰ درصد از سپرده‌هایشان در بخش کشاورزی کرده است (Yaron, 1992, p.19).
	بنگلادش	۱۰ درصد از سهام بانک گرامین متعلق به دولت است. سه عضو هیئت مدیره به وسیله دولت و یک عضو هم به وسیله خود هیئت مدیره انتخاب می‌شود.
قوانین در تأمین مالی خرد اسلامی	اندونزی	بر اساس قوانین بانکی اندونزی بانک‌ها می‌بایست حداقل ۲۰ درصد از مجموع وام‌هایشان را به مؤسسات متوسط و کوچکی که در تعریف، دارایی آنها کمتر از ۶۰۰ میلیون روپیه باشد وام دهند.

جدول ۱۰: بررسی تجارب عملیاتی معافیت مالیاتی - ذخیره قانونی در تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی

عنوان	کشور	تجربه
معافیت مالیاتی - ذخیره قانونی در تأمین مالی خرد متعارف	تایلند	بانک تعاونی‌های تایلند به دلیل اینکه به بخش کشاورزی وام اعطا می‌کند از مالیات‌های شخصی (نظیر مالیات بر درآمد) و الزام‌داشتن ذخیره (ذخایر قانونی) روی سپرده‌ها معاف شده است (Yaron, 1994, p.32).
معافیت مالیاتی - ذخیره قانونی در تأمین مالی خرد اسلامی	مراکش	بر اساس قانون «اتحادیه‌های اعتباری خرد» در مراکش اتحادیه‌ها برای پنج سال از پرداخت مالیات بر واردات و ارزش افزوده معاف هستند.

۱-۳. نظارت

۱-۳-۱. نظارت در تأمین مالی خرد متعارف

تجربه ده‌ها ساله جهانی درباره نهادهای مالی جایگزین - شامل انواع مختلف تعاونی‌های مالی، نهادهای سرمایه‌گذاری مشترک، بانک‌های روستایی و اکنون مؤسسات تأمین مالی خرد - نشان می‌دهد که به نظارت بر این قبیل مؤسسات توجه لازم نشده است و این خود موجب شده که پایداری این مؤسسات در معرض خطر قرار گیرد. قانونگذاری در این زمینه نسبتاً ساده است؛ ولی اجرای نظارت مؤثر بر این مؤسسات دشوار و از جذابیت کمتری برخوردار می‌باشد. نتیجه این می‌شود که به مقوله نظارت در فرایند اصلاح قوانین توجه کمتری می‌شود (Microfinancegateway)؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین نقش‌های دولت در زمینه تأمین مالی خرد، ارتقای ظرفیت‌های نظارتی است. تجارب جهانی نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه در زمینه نظارت بر مؤسسات تأمین مالی خرد ضعیف هستند (Duflos & Imboden, 2004, p.2).

۱-۳-۲. نظارت در تأمین مالی خرد اسلامی

بلوغ در حال رشد تأمین مالی خرد در جهان، نظریه تنظیم و نظارت بر تأمین مالی خرد اسلامی را در اولویت قرار داده است. هدف از نظارت محتاطانه، تضمین سلامت مالی مؤسسات قانونی است تا از بی‌ثباتی گسترده نظام تأمین مالی جلوگیری کرده و از سپرده‌گذاران در مقابل ازدست‌دادن پولشان محافظت نماید (Obaidullah & Khan, 2008, p.49). نظارت شامل کنترل برای تأیید رعایت کردن قواعد احتیاطی و حرکت به سوی تقویت توانایی پرداخت بدهی مؤسسه تحت نظارت، در زمانی است که در مورد رعایت قواعد توسط آن شک وجود داشته باشد. قواعد محتاطانه و نظارت بر آنها عموماً پیچیده، سخت و گران بوده و برای عملی ساختن آنها نیاز به یک مسئول متخصص تأمین مالی است. برای آن دسته از مؤسسات تأمین مالی که از عموم مردم سپرده می‌پذیرند، لازم است بعضی از قواعد تأمین مالی استاندارد بانک‌ها با تأمین مالی خرد سازگار شود. نمونه‌هایی از مقررات محتاطانه، شامل ضوابط کفایت سرمایه و الزامات مربوطه به سپرده و نقدینگی می‌شود؛ با این حال، مقررات احتیاطی بدون نظارت احتیاطی چندان معنادار نیست (Ibid, pp.49-50).

۲. نقش تأمین‌کنندگی (Provider Role)

بر این اساس دولت بایستی به عنوان ارائه‌دهنده تسهیلات خرد به گروه‌های فقیر و محروم عمل نماید. با توجه به اینکه عملکرد نهادها و برنامه‌های مالی دولتی متفاوت است، مواردی وجود دارد که دولت به عنوان تأمین‌کننده مستقیم تسهیلات خرد - خصوصاً اعتبارات یارانه‌ای - وارد شده است. این کار را می‌توان به عنوان حداقل مداخله کارآمد دولت در زمینه دسترسی پایدار به تسهیلات خرد در نظر گرفت. چنین نقشی، اهداف سیاستی و مالی را با یکدیگر ترکیب می‌نماید. لازم است ذکر شود، ورود دولت به عنوان ارائه‌دهنده تسهیلات خرد ممکن است فضای رقابتی ناعادلانه را ایجاد نماید. زمانی که شبکه‌هایی از نهادهای مالی وجود دارد، نقش دولت می‌تواند محدود به بازسازی و اصلاح ساختار این نهادها به منظور تقویت این نهادها جهت ارائه تسهیلات خرد باشد؛ اما زمانی که چنین شبکه‌هایی وجود نداشته باشد، نقش دولت اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در این صورت دولت باید اقدام به ایجاد ساختار بانکی حداقلی به منظور ارائه تسهیلات خرد نماید (Dhakal, 2010, p.8).

شواهدی از تجربه جهانی نقش تأمین‌کنندگی دولت در زمینه تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی در ادامه می‌آید.

۲-۱. ارائه تأمین مالی خرد

یکی از سیاست‌های دولت‌ها جهت ایفای نقش تأمین‌کنندگی در حوزه تأمین مالی خرد، ارائه مستقیم تأمین مالی خرد است که شواهدی از تجارب این سیاست در جدول زیر تبیین شده است. جدول ۱۱: تجربه جهانی نقش تأمین‌کنندگی دولت در زمینه تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی در قالب ارائه تأمین مالی خرد

عنوان	کشور	تجربه
ارائه تأمین مالی خرد متعارف	هند	پیش از آغاز برنامه‌های اصلاحات مالی (دهه ۱۹۹۰)، پرداخت اعتبار و تسهیلات به فقیران در کشور هند به صورت برنامه دولتی به صورت یارانه‌ای رایج بود (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۵۶-۵۷).
	سريلانكا	بخش عمده‌ای از مؤسسات تأمین مالی خرد در سريلانكا دولتی هستند و یا از امکانات و منابع دولتی برخوردار می‌باشند.

باشند. بیش از ۵۰ درصد حجم تأمین مالی خرد ارائه شده در این کشور توسط مؤسسات دولتی فراهم شده است (Feroz & Goud, 2009, p.12).		
بانک رکیات، از طرف دولت اندونزی مأموریت ارائه خدمت بانکی به مناطق روستایی اندونزی با تأکید بر بخش کشاورزی را دارا می‌باشد (Feroz & Goud, 2009, p.12).	اندونزی	ارائه تأمین مالی خرد اسلامی

۲-۲. ارائه تسهیلات به نهادهای تأمین مالی خرد

یکی از سیاست‌های دولت‌ها جهت ایفای نقش تأمین‌کنندگی در حوزه تأمین مالی خرد، ارائه تسهیلات به نهادهای تأمین مالی خرد است که شواهدی از تجارب این سیاست در جدول زیر تبیین شده است.

جدول ۱۲: تجربه جهانی نقش تأمین‌کنندگی دولت در زمینه تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی در قالب ارائه تسهیلات به نهادهای تأمین مالی خرد

عنوان	کشور	تجربه
ارائه تسهیلات به نهادهای تأمین مالی خرد متعارف	اردن	صندوق بزرگ توسعه اشتغال، یک منبع مالی مهم برای برنامه‌های اعتباری خرد است و به سازمان‌های غیردولتی و سایر سازمان‌ها وام می‌دهد تا آنها نیز به کارآفرینان خرد اعتبار دهند.
ارائه تسهیلات به نهادهای تأمین مالی خرد اسلامی	اندونزی	در سال ۱۹۸۲ بانک‌های دولتی مسئولیت ۸۳ درصد از وام‌های پرداخت شده را بر عهده داشته‌اند. مقدار یارانه پرداختی بانک مرکزی حدود ۵۰ درصد از اعتبارات پرداخت شده بود.

۲-۳. کمک مالی مستقیم

یکی از سیاست‌های دولت‌ها جهت ایفای نقش تأمین‌کنندگی در حوزه تأمین مالی خرد، کمک مالی مستقیم است که شواهدی از تجارب این سیاست در جدول زیر تبیین شده است.

جدول ۱۳: تجربه جهانی نقش تأمین‌کنندگی دولت در زمینه تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی در قالب کمک مالی مستقیم

عنوان	کشور	تجربه
کمک مالی مستقیم در تأمین مالی خرد متعارف	کانادا	مرکز ملی اتحادیه‌های اعتباری حمایت‌های لازم از جهت تأمین نقدینگی در شرایط ضروری را تحت برنامه‌های حمایتی بانک مرکزی کانادا و یا مؤسسه بیمه سپرده کانادا به انجام می‌رساند (ملاکریمی، ۱۳۸۴، ص ۹۷).
کمک مالی مستقیم در تأمین مالی خرد اسلامی	مالزی	دولت حدود ۶۰ درصد هزینه‌های عملیاتی امانه اختیار- تنها نهاد تأمین مالی خرد اسلامی در این کشور- را بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ با کمک‌های مالی مستقیم جبران نمود (Arrifin, 2005, pp.3-5).

ب) تأمین مالی خرد اسلامی در ایران

تأمین مالی خرد در کشورمان در قالب بخش بانکی، اتحادیه‌های اعتباری، مؤسسات قرض‌الحسنه و ... اجرا شده است که تجارب مربوطه در جدول زیر و نحوه مداخله دولت در این نهادها در جدول ۱۵ تبیین شده است.

جدول ۱۴: تجارب تأمین مالی خرد در ایران

نهاد	بخش تأمین مالی خرد	طرح‌های تأمین مالی خرد
بانک کشاورزی	تأمین مالی بخش کشاورزی با تمرکز بر روستاها و طرح‌های خرد	طرح ایران، طرح حضرت زینب <small>علیها السلام</small> ، صندوق توسعه اشتغال روستایی، طرح ایجاد اشتغال برای زندانیان آزادشده، طرح حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> ، طرح فارغ‌التحصیلان جوان رشته کشاورزی، پروژه مشترک بانک کشاورزی و «ایفاد»، طرح توسعه اشتغال پایدار روستایی و عشایری، صندوق پس‌انداز زنان بانک کشاورزی (Farzin Motamed, 2013, p.14).
بانک قرض‌الحسنه رسالت	تسهیلات خرد تولیدی	وام کارآفرینی

بانک قرض الحسنه مهر ایران	تسهیلات خرد تولیدی	تسهیلات قرض الحسنه خرد (یک تا ۳۰۰ میلیون تومان)
تعاونی‌های اعتباری	اعطای تسهیلات به دهک‌های میانی و پایین درآمدی	تعداد این تعاونی‌ها تا پایان سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۲۰۳۹ تعاونی با سرمایه بالغ بر ۱۳/۲۷۷ میلیارد ریال بوده است (سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۸).
مؤسسات قرض الحسنه	اعطای تسهیلات خرد	بیش از ۳۰۰۰ مؤسسه قرض الحسنه در کشور فعالیت می‌کنند؛ اما بر اساس آمار بانک مرکزی تنها ۲۱ مؤسسه قرض الحسنه مجوز فعالیت دارند (وبسایت بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۹).
کمیته امداد امام خمینی <small>علیه السلام</small>	وام‌های اشتغال‌زایی خرد	می‌توان برخی فعالیت‌های آن را در زمره تأمین مالی خرد قلمداد کرد.
صندوق کارآفرینی امید	وام‌های اشتغال‌زایی خرد	
بنیاد برکت	وام‌های اشتغال‌زایی خرد	طرح سبح

جدول ۱۵: نحوه مداخله دولت در تأمین مالی خرد در ایران

عنوان	نوع نهاد	نقش دولت	ابزار سیاست‌گذاری	آسیب‌شناسی
بانک کشاورزی	دولتی	تأمین‌کنندگی	ارائه تأمین مالی خرد	فقدان چارچوب قانونی
بانک قرض الحسنه مهر ایران	دولتی	تأمین‌کنندگی	ارائه تأمین مالی خرد	فقدان چارچوب قانونی
بانک رسالت	دولتی	تأمین‌کنندگی	ارائه تأمین مالی خرد	فقدان چارچوب قانونی
اتحادیه‌های اعتباری	سازمان غیرانتفاعی	حمایتی	ثبات اقتصاد کلان - تعدیل نرخ سود	فقدان چارچوب قانونی

مؤسسات قرض الحسنه	سازمان غیرانتفاعی	حمایتی	ثبات اقتصاد کلان - تعدیل نرخ سود	فقدان چارچوب قانونی-فقدان نظارت
کمیته امداد امام خمینی (ره)	دولتی	تأمین کنندگی	ارائه تأمین مالی خرد	فقدان چارچوب قانونی
صندوق کارآفرینی امید	دولتی	تأمین کنندگی	ارائه تأمین مالی خرد	فقدان چارچوب قانونی
بنیاد برکت	دولتی	تأمین کنندگی	ارائه تأمین مالی خرد	فقدان چارچوب قانونی

منبع: یافته‌های تحقیق.

بررسی نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی در ایران

۱. فرایند

به منظور بررسی نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی در ایران، مبتنی بر ادبیات مربوط به نقش دولت در تأمین مالی خرد در سطح جهان پرسش‌نامه دلفی طراحی شد. این پرسش‌نامه که مبتنی بر طیف لیکرت پنج گزینه‌ای می‌باشد در اختیار صاحب‌نظران حوزه تأمین مالی خرد اسلامی قرار گرفت.

۱-۱. سؤالات پرسش‌نامه

سؤالات پرسش‌نامه به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول ۱۶: سؤالات پرسش‌نامه نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی در ایران

به منظور نظام‌مند کردن امور تأمین مالی خرد، لازم است نهادی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تأسیس شود.
نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش تصدی‌گری است.
نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش قانونگذاری و سیاستگذاری است.
نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش حمایتی است.
نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش نظارت بر نهادهای تأمین مالی خرد است.

هدف دولت در زمینه تأمین مالی خرد، رفع فقر و ثبات اقتصاد کلان است.
ارائه تأمین مالی خرد توسط مؤسسات غیربانکی کارا تر و مؤثر تر است.
تأمین مالی خرد از طریق بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کارا تر و مؤثر تر است.
به منظور ارائه تأمین مالی خرد، نیاز به طراحی نهاد جدیدی نیز وجود دارد.
در مدل مطلوب تأمین مالی خرد، باید اعتبارات خرد مربوط به کسب و کارهای متوسط (SMEs) را به بانک‌ها و اعتبارات خرد مربوط به کسب و کارهای کوچک را به مؤسسات تأمین مالی خرد واگذار نمود.
ساختار مؤسسات تأمین مالی خرد نباید محدودیت‌های بانک‌ها را داشته باشد.
مؤسسات تأمین مالی خرد باید اختیارات ویژه‌ای در زمینه تجهیز منابع (وقف و ...) داشته باشند.
به منظور بهره‌گیری بیشتر مؤسسات تأمین مالی خرد منابع قرض الحسنه باید در بانک‌ها محدود شود.
اوراق تأمین مالی خرد قابلیت عرضه در بورس ایران را دارد.

۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان بانکداری اسلامی، مدیران اجرایی حوزه بانکداری، اقتصاددانان، متفکران اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی می‌باشند. این افراد باید حداقل دو مورد از خصوصیات زیر را دارا باشند:

۱. دست‌اندرکاران اجرایی مرتبط با حوزه تأمین مالی خرد اسلامی؛
۲. متفکران و نظریه‌پردازان مرتبط با حوزه تأمین مالی خرد اسلامی.

با توجه محدودیت‌های موجود در جامعه آماری از جمله عدم دسترسی به صاحب‌نظران و نیز محدود بودن تعداد جامعه آماری، نمونه‌ای ۳۰ نفره از جامعه آماری در نظر گرفته شد و پرسش‌نامه میان ایشان توزیع شد.

۳. آزمون آماری

۳-۱. سنجش پایایی پرسش‌نامه

به منظور سنجش پایایی پرسش‌نامه پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS آلفای کرونباخ پرسش‌نامه اندازه‌گیری شد و با توجه به اینکه آلفای کرونباخ استاندارد پرسش‌نامه ۰/۷۷۴ به دست آمده و این مقدار بالاتر از ۰/۷۰ می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که پایایی پرسش‌نامه در حد قوی مورد تأیید می‌باشد.

جدول ۱۷: توزیع فراوانی پاسخگویان برای محاسبه آلفای کرونباخ

Case Processing Summary			
		N	%
Cases	Valid	۱۲	۱۰۰
	Excluded ^a	۰	۰/
	Total	۱۲	۱۰۰
a/ Listwise deletion based on all variables in the procedure/			

جدول ۱۸: آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسش نامه

Reliability Statistics		
Cronbach's Alpha	Cronbach's Alpha Based on Standardized Items	N of Items
۰/۷۵۹	۰/۷۷۴	۱۵

۲-۳. آزمون فرضیه

در این تحقیق چون تعداد پرسش نامه‌های صحیح کمتر از ۳۰ می‌باشد، بنابراین امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود ندارد؛ چون برای استفاده از این آزمون‌ها باید یا جامعه نرمال باشد و یا نمونه‌ها بیشتر از ۳۰ باشند که در این تحقیق هیچ کدام از این حالت‌ها وجود ندارند. با توجه به غیر نرمال بودن داده‌ها و ماهیت تک‌متغیره بودن داده‌ها آزمون آماری مناسب، آزمون دلبیوی کندال (Kendall's W) می‌باشد.

آزمون رتبه‌های دلبیوی کندال که شکل نرمال شده آزمون فریدمن می‌باشد، به عنوان یک ضریب توافق، به سنجش میزان توافق رتبه‌ها در بین پاسخگویان می‌پردازد. در این آزمون، هر پاسخگو به عنوان یک قضاوت‌کننده یا رتبه‌دهنده و هر گویه یا سؤال نیز به عنوان یک متغیر تلقی شده و در ادامه برای هر یک از این متغیرها، میانگین رتبه‌ها محاسبه می‌شود. این آزمون با مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین متغیرها، تفاوت این میانگین‌ها را بررسی می‌کند. مقدار آزمون رتبه‌های دلبیوی کندال بین (۰-۱) نوسان می‌کند که در آن، مقادیر نزدیک به صفر

نشان از توافق کمتر و مقادیر نزدیک به یک نشان از توافق بیشتر بین پاسخگویان در خصوص متغیرهای مورد نظر دارد.

جدول ۱۹: نتایج آزمون دلبیوی کندال

Test Statistics	
N	۱۲
Kendall's Wa	۰/۲۷۲
Chi-Square	۴۵/۶۸۵
Df	۱۴
Asymp. Sig.	۰/۰۰۰
a. Kendall's Coefficient of Concordance	

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد ضریب کندال ۰/۲۷۲ می‌باشد و میزان معناداری آن نیز ۰/۰۰۰ است. با توجه به اینکه ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین نظرات خبرگان همگرایی و توافق وجود دارد. زمانی می‌توان گفت نتایج حاصل از پرسش‌نامه دارای اعتبار مطلوبی است که علاوه بر معناداری ضریب کندال، پرسش‌نامه از روایی محتوایی نیز برخوردار باشد. بدین منظور لازم است میانگین نظرات خبرگان نیز از حدی مشخص* بیشتر باشد.

* در تحقیقات مشابهی که با این روش صورت گرفته است این حد را در طیف لیکرت پنج گزینه‌ای بیشتر از ۳ یا ۳/۵ در نظر گرفته شده است؛ رک به: (شلمزاری و همکاران، ۱۳۹۲).

طیف لیکرت پنج گزینه‌ای بر اساس جدول ذیل نمره‌گذاری می‌شود:

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
۴-۵	۳-۴	۲-۳	۱-۲	۰-۱

جدول ۲۰: نتایج آزمون سؤالات پرسش نامه

One-Sample Statistics				
	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
SMEAN(s1)	۱۲	۳/۲۵۰۰	۱/۲۱۵۴۳	۰/۳۵۰۸۶
SMEAN(s2)	۱۲	۲/۰۰۰۰	۰/۷۳۸۵۵	۰/۲۱۳۲۰
SMEAN(s3)	۱۲	۳/۹۱۶۷	۱/۲۴۰۱۱	۰/۳۵۷۹۹
SMEAN(s4)	۱۲	۴/۱۶۶۷	۰/۷۱۷۷۴	۰/۲۰۷۱۹
SMEAN(s5)	۱۲	۴/۳۳۳۳	۰/۴۹۲۳۷	۰/۱۴۲۱۳
SMEAN(s6)	۱۲	۴/۴۱۶۷	۰/۶۶۸۵۶	۰/۱۹۳۰۰
SMEAN(s7)	۱۲	۳/۹۱۶۷	۱/۰۸۳۶۲	۰/۳۱۲۸۲
SMEAN(s8)	۱۲	۲/۷۵۰۰	۰/۹۶۵۳۱	۰/۲۷۸۶۶
SMEAN(s9)	۱۲	۳/۳۳۳۳	۱/۱۵۴۷۰	۰/۳۳۳۳۳
SMEAN(s10)	۱۲	۳/۵۸۳۳	۱/۲۴۰۱۱	۰/۳۵۷۹۹
SMEAN(s11)	۱۲	۳/۹۱۶۷	۰/۷۹۲۹۶	۰/۲۲۸۹۱
SMEAN(s12)	۱۲	۳/۵۸۳۳	۱/۱۶۴۵۰	۰/۳۳۶۱۶
SMEAN(s13)	۱۲	۳/۱۶۶۷	۱/۵۲۷۵۳	۰/۴۴۰۹۶
SMEAN(s14)	۱۲	۳/۹۰۹۱	۰/۸۹۹۹۵	۰/۲۵۹۷۹
SMEAN(s15)	۱۲	۳/۶۶۶۷	۰/۹۸۴۷۳	۰/۲۸۴۲۷

جدول ۲۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پرسش نامه

متغیر	سؤالات پرسش نامه	میانگین نتایج
۱	نظام‌مند نمودن تأمین مالی خرد از طریق ایجاد نهادی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	۳/۲۵۰۰
۲	تصدی‌گری دولت در زمینه تأمین مالی خرد	۲/۰۰۰۰
۳	نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش قانونگذاری و سیاستگذاری است.	۳/۹۱۶۷
۴	نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش حمایتی است.	۴/۱۶۶۷
۵	نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش نظارت بر نهادهای تأمین مالی خرد است.	۴/۳۳۳۳
۶	هدف دولت در زمینه تأمین مالی خرد، رفع فقر و ثبات اقتصاد کلان است.	۴/۴۱۶۷
۷	کارا تر بودن و مؤثر بودن تأمین مالی خرد در صورت ارائه توسط مؤسسات غیربانکی	۳/۹۱۶۷
۸	کارایی و تأثیر تأمین مالی خرد در صورت ارائه توسط بانک‌ها و مؤسسات بانکی	۲/۷۵۰۰

۳/۳۳۳۳	ایجاد نهادی جدید برای تأمین مالی خرد	۹
۳/۵۸۳۳	واگذاری اعتبارات خرد مربوط به کسب و کارهای متوسط به بانک‌ها و واگذاری اعتبارات خرد مربوط به کسب و کارهای کوچک به مؤسسات تأمین مالی خرد	۱۰
۳/۹۱۶۷	عدم وجود محدودیت‌های متعارف بانک‌ها برای مؤسسات تأمین مالی خرد	۱۱
۳/۵۸۳۳	اعطای اختیارات ویژه‌ای در زمینه تجهیز منابع (وقف و ...) به مؤسسات تأمین مالی خرد	۱۲
۳/۱۶۶۷	محدودیت منابع قرض الحسنه در بانک‌ها	۱۳
۳/۹۰۹۱	قابلیت عرضه اوراق تأمین مالی خرد در بورس	۱۴
۳/۶۶۶۷	قابلیت اجرای تأمین مالی خرد در اقتصاد بازارپایه	۱۵

منبع: یافته‌های تحقیق.

همان‌طورکه جدول بالا نشان می‌دهد بر اساس نظر خبرگان نقش تأمین‌کنندگی دولت در حوزه تأمین مالی خرد اسلامی در ایران رد می‌شود. خبرگان معتقدند که نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد اسلامی در ایران نقش حمایتی است.

همچنین، همان‌طورکه جدول نشان می‌دهد، میانگین نظرات خبرگان در مورد نقش «سیاست‌گذاری دولت در تأمین مالی خرد» در ایران معادل بالای ۳ و نزدیک به ۴ و در مورد نقش «نظارت دولت بر تأمین مالی خرد» و نقش «ثبات اقتصاد کلان جهت حمایت از تأمین مالی خرد» بالای ۴ می‌باشد؛ بنابراین روایی محتوایی این سه متغیر در حد «زیاد» تأیید می‌شود. خبرگان بر این باورند که دولت به منظور ایفای نقش حمایتی خود باید ضمن تضمین ثبات اقتصاد کلان به نظارت بر مؤسسات تأمین مالی خرد نیز پرداخته و قوانین و سیاست‌گذاری‌های لازم را نیز در این زمینه انجام دهد. میانگین نظرات خبرگان در مورد تمامی متغیرها به جز متغیر مربوط به «کارایی و تأثیر تأمین مالی خرد توسط بانک‌ها و مؤسسات بانکی» بالاتر از ۳ می‌باشد، این بدان معناست که روایی محتوایی این متغیرها در حد «زیاد» مورد تأیید خبرگان است. متغیر مذکور مربوط به کارایی و تأثیر تأمین مالی خرد توسط بانک‌ها و مؤسسات بانکی می‌باشد که تأیید نشد؛ بنابراین از دیدگاه خبرگان ارائه تأمین مالی خرد توسط بانک‌ها کارا و مؤثر نیست.

همچنین بر اساس جدول بالا نهادهای مسئول در حوزه تأمین مالی خرد در کشورمان و وظایف آنها احصا می‌شود.

جدول ۲۲: نهادهای مسئول در حوزه تأمین مالی خرد در ایران

متغیر مربوطه	نهاد مسئول	
متغیر ۳، ۹ و ۱۲	مجلس شورای اسلامی	۱
متغیر ۱ و ۹	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	۲
متغیر ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳	شورای پول و اعتبار	۳
متغیر ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳	بانک مرکزی	۴
متغیر ۱۴ و ۱۵	بازار سرمایه	۵

منبع: یافته‌های تحقیق.

بر اساس نتایج آزمون دلبیوی کندال اقدام به رتبه‌بندی نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد اسلامی در کشور نمودیم. نتایج این رتبه‌بندی در جدول زیر آمده است.

جدول ۲۳: نتایج آزمون کندال درباره رتبه‌بندی نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی

Ranks	
	Mean Rank
SMEAN(s3)	9/50
SMEAN(s5)	10/58
SMEAN(s6)	11/33

بر اساس جدول فوق رتبه‌بندی سیاست‌های نقش حمایتی دولت در تأمین مالی خرد به صورت ذیل است.

جدول ۲۴: رتبه‌بندی نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی در ایران

میانگین رتبه	عنوان
۱۱/۳۳	ثبات اقتصاد کلان
۱۰/۵۸	نقش نظارت بر نهادهای تأمین مالی خرد
۹/۵۰	نقش قانونگذاری و سیاستگذاری

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد مهم‌ترین سیاست دولت در زمینه تحقق نقش حمایتی دولت در تأمین مالی خرد اسلامی تضمین ثبات اقتصاد کلان می‌باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همگام با رشد تأمین مالی خرد در گستره جهانی، تأمین مالی خرد اسلامی نیز با رشد فزاینده‌ای مواجه شده است. با توجه به ماهیت تأمین مالی خرد اسلامی، خصوصاً جامعه هدف آن - قشر فقیر و متوسط فعال اقتصادی - و نیز اهداف آن - کاهش فقر، ایجاد اشتغال و ... - یکی از مسائل مورد توجه در این زمینه بررسی نقش دولت در این باره است. بنا بر نظر لاپینو، توسعه تأمین مالی خرد در کشورهای در حال توسعه بیشتر یا کمتر مرتبط به مداخله دولت می‌باشد و این مداخله در قالب سه مدل صورت می‌گیرد: مدل ادغام، مدل مکمل و مدل جایگزین (Lapenu, 2000, p.13). توفیق بعضی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مانند بنگلادش، اردن و اوگاندا که استراتژی‌های توسعه تأمین مالی خرد را گسترش داده‌اند، به روشنی نشان می‌دهد که دولت در رابطه با بخش خصوصی چه نقش مناسبی را می‌تواند و باید داشته باشد (Obaidullah & Khan, 2008, p.47).

دولت‌ها در مواجهه با تأمین مالی خرد متعارف و اسلامی می‌توانند دو نقش ایفا نمایند: نقش حمایتی، نقش تأمین‌کنندگی. مهم‌ترین سیاست‌های تأمین مالی خرد اسلامی و ابزارهای آن جهت اجرای نقش حمایتی دولت شامل ثبات اقتصاد کلان (مانند تعدیل نرخ سود)، تعدیل چارچوب قوانین (مانند قانونگذاری و معافیت مالیاتی) و موضوع نظارت می‌باشد. تجربه کشورهای اسلامی چون اندونزی، پاکستان و مراکش نیز مؤید این مدعا است. از طرفی، مهم‌ترین سیاست‌های تأمین مالی خرد اسلامی جهت اجرای نقش تأمین‌کنندگی دولت شامل ارائه مستقیم تأمین مالی خرد، ارائه تسهیلات به نهادهای عرضه‌کننده تأمین مالی خرد و کمک مالی مستقیم به نهادهای عرضه‌کننده تأمین مالی خرد می‌باشد. تجربه اندونزی و مالزی مؤید این مدعا است. به منظور بررسی نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی در ایران، مبتنی بر ادبیات مربوط به نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی پرسش‌نامه دلفی طراحی شد و در اختیار صاحب‌نظران حوزه تأمین مالی خرد اسلامی قرار گرفت. نتیجه این بررسی مطابق جدول زیر می‌باشد.

جدول ۲۵: نتیجه آزمون متغیرهای پرسش‌نامه نقش دولت در تأمین مالی خرد اسلامی در ایران

متغیر	سؤالات پرسش‌نامه	نتیجه آزمون
۱	نظام‌مند نمودن تأمین مالی خرد از طریق ایجاد نهادی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	تأیید
۲	تصدی‌گری دولت در زمینه تأمین مالی خرد	رد
۳	نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش قانونگذاری و سیاستگذاری است.	تأیید
۴	نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش حمایتی است.	تأیید
۵	نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد نقش نظارت بر نهادهای تأمین مالی خرد است.	تأیید
۶	هدف دولت در زمینه تأمین مالی خرد، رفع فقر و ثبات اقتصاد کلان است.	تأیید
۷	کارا تر بودن و مؤثر بودن تأمین مالی خرد در صورت ارائه توسط مؤسسات غیربانکی	تأیید
۸	کارایی و تأثیر تأمین مالی خرد در صورت ارائه توسط بانک‌ها و مؤسسات بانکی	تأیید
۹	ایجاد نهادی جدید برای تأمین مالی خرد	تأیید
۱۰	واگذاری اعتبارات خرد مربوط به کسب و کارهای متوسط به بانک‌ها و واگذاری اعتبارات خرد مربوط به کسب و کارهای کوچک به مؤسسات تأمین مالی خرد	تأیید
۱۱	عدم وجود محدودیت‌های متعارف بانک‌ها برای مؤسسات تأمین مالی خرد	تأیید
۱۲	اعطای اختیارات ویژه‌ای در زمینه تجهیز منابع (وقف و ...) به مؤسسات تأمین مالی خرد	تأیید
۱۳	محدودیت منابع قرض الحسنه در بانک‌ها	تأیید
۱۴	قابلیت عرضه اوراق تأمین مالی خرد در بورس	تأیید
۱۵	قابلیت اجرای تأمین مالی خرد در اقتصاد بازارپایه	تأیید

همان‌طور که عنوان شد، بر اساس نظر خبرگان نقش تأمین‌کنندگی دولت در حوزه تأمین مالی خرد اسلامی در ایران رد می‌شود. خبرگان معتقدند که نقش دولت در زمینه تأمین مالی خرد اسلامی در ایران نقش حمایتی است؛ همچنین خبرگان بر این باورند که دولت در ایران به منظور ایفای نقش حمایتی خود باید ضمن تضمین ثبات اقتصاد کلان به نظارت بر مؤسسات تأمین مالی خرد نیز پرداخته و قوانین و سیاستگذاری‌های لازم را نیز در این زمینه انجام دهد. همچنین بر اساس بررسی آزمون فرضیه و نتایج مبتنی بر تحلیل SPSS نهادهای مسئول در حوزه تأمین مالی خرد اسلامی در ایران در جدول زیر آمده است.

جدول ۲۶: نهادهای مسئول در حوزه تأمین مالی خرد اسلامی در ایران

متغیر مربوطه	نهاد مسئول	
متغیر ۳، ۹ و ۱۲	مجلس شورای اسلامی	۱
متغیر ۱ و ۹	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	۲
متغیر ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳	شورای پول و اعتبار	۳
متغیر ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳	بانک مرکزی	۴
متغیر ۱۴ و ۱۵	بازار سرمایه	۵

همچنین مبتنی بر نتایج تحلیل آماری مبتنی بر نرم‌افزار SPSS اهمیت سیاست‌های احصاشده دولت در زمینه تأمین مالی خرد اسلامی، سیاست «ثبات اقتصاد کلان» با میانگین ۱۱/۳۳ رتبه اول را به دست آورد. سیاست «نقش نظارت بر نهادهای تأمین مالی خرد» با میانگین ۱۰/۵۸ رتبه دوم و سیاست «نقش قانونگذاری و سیاستگذاری» رتبه سوم را احصاء نمود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. تقوی، محمدآصف و جابری، علی (۱۳۹۹). بررسی قلمرو دخالت حکومت اسلامی در اقتصاد. فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی، ۲۵(۳)، ۱۲۷-۱۵۸.
۲. خداپرست مشهدی، مهدی، نظری، روح‌الله و فتحی، بهرام (۱۳۹۰). دخالت دولت در اقتصاد از منظر اندیشمندان مسلمان». تاریخ، ۶(۲۰)، ۵۴-۹۷.
۳. شهیدی نسب، مصطفی (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی تأمین مالی خرد در بانک‌های ایران: درس‌هایی برای طراحی نظام تأمین مالی خرد اسلامی. دوفصلنامه جستارهای اقتصادی ایران، ۱۱(۲۱)، ۹۷-۱۲۴.
۴. حسن‌زاده، علی، ازوجی، علاالدین و قویدل، صالح (۱۳۸۵). بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی». فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۶(۲۱)، ص ۴۵-۶۸.
۵. فراهانی فرد، سعید و بیگدلی، وحید (۱۳۹۵). مقایسه تطبیقی اهداف دولت در اقتصاد متعارف و اسلامی. معرفت اقتصاد اسلامی، ۷(۱۴)، ۲۵-۴۸.
۶. قلیچ، وهاب (۱۳۸۹). دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد. تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۷. ملاکریمی خوزانی، نعمت‌الله (۱۳۸۴). مطالعه تطبیقی ساختار اتحادیه‌های اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه در ایران: تحلیل فقهی اقتصادی. تهران، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۸. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۲). جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام. اقتصاد اسلامی، ۳(۱۰)، ۵۵-۷۹.
۹. وزارت تعاون، سالنامه آماری، ۱۳۹۸.
۱۰. یزدانی، فردین (۱۳۸۰). چکیده کتاب: نقش دولت در جهان در حال تحول، مجله اقتصادی، ۲(۲)، ۵۰-۵۸.

11. Akbar, T., & Siti-Nabiha, A. K. (2022). Objectives and measures of performance of Islamic microfinance banks in Indonesia: the stakeholders' perspectives. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, 14(2), 124-140.
12. Aravik, H., Hamzani, A. I., & Khasanah, N. (2021). The role of the

- State in the Islamic Economic System: A review of Abbas Mirakhor's thought. *Islamic Banking: Jurnal Pemikiran Dan Pengembangan Perbankan Syariah*, 7(1), 1-22.
13. Arrifin, M. I. (2005). Towards the expediency and leniency of Islamic finance through Islamic micro credit financing. In *Prosiding Seminar Kewangan dan Ekonomi Islam: Pengukuhan dan Transformasi Ekonomi dan Kewangan Islam*, pp. 29-30.
 14. Bate, P. (2007). Governments in microfinance: threat or opportunity?. *Microenterprise Americas Magazine*, No.9.
 15. Creusot, A. C., Klébert, C., Luong, Q. T., & Nguyen, T. B. V. (1997). *Le crédit rural décentralisé au Vietnam: perspectives d'institutionnalisation*.
 16. Dhakal, N. H. (2010). *Microfinance and local economic development in Nepal*. Unpublished Dissertation on Master of Philosophy in Economics, Global Open University, Nagaland, India.
 17. Duflos, E., & Imboden, K. (2004). *The role of goverments in microfinance* (No. 34239, pp. 1-2). The World Bank.
 18. Farzin Motamed, A. (2013). Microfinance in Iran with a glance at South Korea's.
 19. Fernando, N. A. (2003). The changing face of microfinance: Transformation of NGOs into regulated financial institutions. *Asian Development Bank*.
 20. Feroz, E. H., & Goud, B. (2009). Grameen la riba model: A strategy for global poverty alleviation. *Journal of Islamic economics, banking and finance*, 5(2), 77-100.
 21. Hadi, M. (2023). The role of the State in the Islamic Economic law in the light of Abbas Mirakhor's thoughts. *International Significance of Notary*, 3(2), 223-236.
 22. Hubka, A., & Zaidi, R. (2005). Impact of government regulation on microfinance.

23. Hulme, D., & Mosley, P. (2006). *Finance Against Poverty: Volume 2: Country Case Studies*. Routledge.
24. Kabeer, N., & Murthy, R. K. (1996). *Compensating for institutional exclusion?: lessons from Indian government and non-government credit interventions for the poor*. Institute of Development Studies.
25. Lapenu, C. (1996). Vers un nouveau rôle pour l'Etat et les institutions privées dans le développement du système financier rural indonésien (Doctoral dissertation, ENSAM).
26. Lapenu, C. (2000). The role of the state in promoting microfinance institutions.
27. Macmillan Publishers Ltd. (2018). *The New Palgrave Dictionary of Economics*, third Edition.
28. McLeod, R. H. (1992). Indonesia's new banking law. *Bulletin of Indonesian Economic Studies*, 28(3), 107-122.
29. Mukherjee, J. (1997). State-owned development bank in microfinance (the BRI). *Focus* (No. 10). Note.
30. Obaidullah, M., & Khan T. (2008). *Islamic Microfinance Development: Challenges and Initiatives*. Islamic Development Bank, Jeddah, Saudi Arabia.
31. Srinivasan, G., & Rao, D. S. K. (1996). Financing of self-help groups by banks: Some issues. *Lucknow: Bankers Institute of Rural Development*.
32. Van Greuning, H., Gallardo, J. S., & Randhawa, B. K. (1999). *A framework for regulating microfinance institutions* (Vol. 2061). World Bank Publications.
33. Van Greuning, H., Gallardo, J. S., & Randhawa, B. K. (1999). *A framework for regulating microfinance institutions* (Vol. 2061). World Bank Publications.
34. <http://www.cbi.ir/page/1398.aspx>
35. <http://www.microfinancegateway.org/policy-fundamentals>

36. Yaron, J. (1992). Successful rural finance institutions (World Bank Discussion Paper No. 150) Washington DC. *World Bank*.
37. Yaron, J. (1994). What makes rural finance institutions successful?. *The World Bank Research Observer*, 9(1), 49-70.
38. Zubeir Mughal, M. (2011) Islamic microfinance, International Seminar on Financial Inclusion for Central Asia, the Caucasus, and South Asia, 12-14 July 2011, Urumqi, PR China.

۴۰

